



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

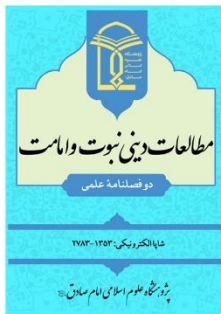
Research Institute for Islamic

Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2; Number: 3



Investigating the extent of the Holy Spirit's companionship with the prophets and Imams (peace be upon them) and its correlation with infallibility

MohammadHossein Faryab*

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2025.530618.1041>

Receipt: 2025/06/16 - Accepted: 2025/07/14

(165-181)

Abstract

The Holy Spirit is one of the divine angels. According to traditions, one of the missions assigned to Him by Almighty God is to support the prophets and Imams (peace be upon them). This teaching, which is confirmed by numerous traditions, may serve as evidence for the infallibility of the prophets and Imams (peace be upon them). There are discussions about the essence of the Holy Spirit; at the same time, the extent to which the Holy Spirit accompanies the prophets and Imams (peace be upon them) and how this teaching can substantiate their infallibility are the main concerns of this writing. This paper, utilizing an analytical-narrative method and relying on authentic traditions, seeks to closely examine this issue. Based on the most significant findings of this research, it has been established that the prophets and Imams (peace be upon them) did not consistently rely on the Holy Spirit; therefore, the teaching of the Holy Spirit's companionship with the prophets and Imams (peace be upon them) is insufficient to prove their absolute infallibility, and other evidence must also be considered for this purpose.

Keywords: Holy Spirit, prophets, Imams, infallibility, knowledge

*. Associate Professor, Department of Kalam, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran, faryab@iki.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام امام صادق
پژوهشگاه الهیات و معارف اسلامی
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
نشانی پانگاه نشریه: <http://rahnama.isri.ac.ir>
سال دوم، شماره سوم

بررسی میزان همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام و تلازم آن با عصمت

محمدحسین فاریاب*

Doi: 10.22034/gr.2025.530618.1041

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۶۵-۱۸۱)

چکیده

روح القدس یکی از فرشتگان الهی است. بر پایه روایات، یکی از مأموریت‌هایی که خداوند متعال به او داده آن است که پیامبران و امامان علیهم السلام را تأیید کند. این آموزه که به وسیله روایات پرشماری اثبات می‌شود، ممکن است دلیلی بر عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام به شمار رود. درباره چستی روح القدس مباحثی مطرح است، درعین حال، اینکه روح القدس تا چه اندازه و در چه اموری با پیامبران و امامان علیهم السلام همراهی می‌کند و این آموزه چه مقدار می‌تواند عصمت آنها را ثابت کند، دغدغه خاطر اصلی این نوشتار است. این نوشتار با روش تحلیل - نقلی و با تکیه بر روایات معتبر در پی بررسی دقیق این مسئله است. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، بنای پیامبران و امامان علیهم السلام بر استفاده همیشگی از روح القدس نبوده، بنابراین، آموزه همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام از اثبات عصمت مطلق آنها ناتوان است و برای این منظور باید از دیگر ادله نیز بهره برد.

واژگان کلیدی: روح القدس، پیامبران، امامان، عصمت، علم.



* دانشیار گروه کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران، faryab@iki.ac.ir

مقدمه

مسئله عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام و قلمرو و گستره آن از دیرباز مسئله‌ای چالشی میان عالمان شیعه و اهل سنت بوده و تازگی خود را از دست نداده است. ادله مختلفی برای اثبات عصمت ارائه شده و در این میان پژوهشگران نیز با ارائه راهکارهایی درصدد تقویت این مسئله بوده و هستند؛ از سوی دیگر، مسئله عصمت ارتباط تنگاتنگی با مسئله علم دارد. در حوزه عصمت علمی، اگر پیامبر و امام را عالم بالفعل به طور خدادادی به حقایق دانستیم، فرض صدور خطا از ایشان نامعقول است؛ ولی در غیر این صورت، فرض صدور خطا نامعقول نیست؛ در این میان، روایات فراوانی وجود دارد که از همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام خبر می‌دهد. روایاتی که به لحاظ عددی چشمگیرند و نمی‌توان آنها را غالیانه یا ضعیف دانست. همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام به عنوان مسدّد و مؤیّد تقویت‌کننده و تأییدکننده می‌تواند یکی از ادله عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام به شمار رود. تحلیل رابطه میان نقش تأییدی و تسدید روح القدس با آموزه عصمت، رسالتی است که این مقاله عهده‌دار آن است. آیا روح القدس در لحظه لحظه زندگی پیامبران و امامان علیهم السلام ایفای نقش می‌کند و آنها را نسبت به هر مسئله‌ای آگاه می‌سازد؟

درباره روح القدس و نیز مسئله عصمت مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. مقاله «اعتبارسنجی روایات تعدد ارواح در کافی» منتشرشده در نشریه تحقیقات کلامی، مقاله «ویژگی‌ها و مصداق روح القدس در قرآن و حدیث» منتشرشده در نشریه حدیث و اندیشه، مقاله «تحلیل و بررسی ماهیت روح القدس از منظر عقل و دین» منتشرشده در نشریه عقل و دین و مقاله «روح القدس در آموزه‌های مسیحی و اسلامی» منتشرشده در نشریه الهیات تطبیقی از آن نمونه‌هاست. در این مقالات، چنانکه از عناوین آنها نیز پیداست، صرفاً به تبیین چیستی روح القدس و مصادیق آن در قرآن و حدیث یا مطالعه تطبیقی آن با مسیحیت پرداخته شده است و تحلیل نقش روح القدس در اثبات عصمت پیامبران و امامان کمتر در دستور کار پژوهشگران قرار گرفته است. در این میان مقاله «رابطه انسان، نبی و روح القدس در باورپذیری عصمت» منتشرشده در نشریه انسان‌پژوهی دینی شاخص‌ترین مقاله در این باره

به شمار می‌رود. این مقاله که از سوی جمعی از نویسندگان به رشته تحریر درآمده، به مسائل متعددی در باب روح القدس و نیز عصمت پرداخته، ولی عاری از تمرکز بر رابطه میان روح القدس و عصمت است؛ از این رو این پرسش که روح القدس تا چه اندازه با پیامبران و امامان علیهم‌السلام همراهی می‌کند و آنها را در چه حوزه‌هایی از اشتباه یا گناه مصون و محفوظ می‌دارد، پاسخ روشنی نمی‌یابد.

۱. قلمروی عصمت

وقتی می‌گوییم کسی معصوم است، بدین معناست که او مصون و محفوظ است (جوهری، ۱۹۹۰، ج ۵: ۱۹۹۶؛ ابن منظور، ۱۹۹۵، ج ۹: ۲۴۴ — ۲۴۶؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۸: ۳۹۸ - ۳۹۹؛ فیومی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۱۴). حال وقتی درباره عصمت پیامبران و امامان علیهم‌السلام سخن می‌گوییم، باید روشن‌سازیم که آنها از چه اموری مصون و محفوظ هستند. اینجاست که مسئله «قلمروی عصمت» مطرح می‌شود. تقسیمات متعددی می‌توان برای این مسئله بیان کرد که یکی از آنها بدین صورت است:

۱-۱. عصمت علمی

چنانکه از عنوانش پیداست در اینجا آنچه مدنظر است، مصونیت و محفوظیت از اشتباهات علمی منظورمان است که البته خود دارای چندین مسئله است:

- عصمت از اشتباه در فهم دین.

- عصمت از اشتباه در تشخیص مصادیق موضوعات دینی؛ مانند تشخیص استانداردها اصلح یا تشخیص هلال ماه.

- عصمت از اشتباه در حقایق علمی غیردینی؛ مانند حقایق پزشکی، معماری و...

- عصمت از اشتباه در حقایق عادی زندگی؛ حقایقی که ربطی به دین ندارند؛ مانند

اینکه در این لیوان آب است یا گلاب.

۱-۲. عصمت عملی

مقصود از عصمت عملی مصونیت و محفوظیت در مرحله عمل است که دارای چندین مسئله است:

- عصمت از مخالفت با دستورات دینی؛ (عصمت از گناه یا ترک اولی)
- عصمت از مخالفت با حقایق علمی غیردینی؛ مثلاً با علم به اینکه فلان دارو برای فلان بیماری مناسب است، بی دلیل آن را مصرف نکند.
- عصمت از مخالفت با حقایق عادی زندگی.

۲. برخورداران از روح القدس

نتیجه جستجو در روایات این است که پیامبران و امامان علیهم السلام از حمایت روح القدس برخوردارند. این آموزه در روایات متعددی بیان شده که ما را از بررسی سندی تک تک آنها بی نیاز می سازد. برای نمونه، به دو روایت اشاره می کنیم. در روایتی، امام صادق علیه السلام بیان می کنند که: «پیامبران دارای پنج روح هستند: روح بدن، روح القدس، روح قوت و روح شهوت و روح ایمان» در همین روایت تأکید می شود که اگر کسی دارای روح القدس باشد، مرتکب گناه کبیره نمی شود (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷). به گفته امام باقر علیه السلام نیز ارواح موجود در پیامبران و امامان علیهم السلام عبارت اند از: روح قوت و روح ایمان و روح زندگی و روح شهوت و روح القدس. (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲). غیر از پیامبران و امامان علیهم السلام، نیز مواردی دیده می شود که معصومان علیهم السلام از خداوند متعال خواسته اند که روح القدس را مؤید برخی افراد قرار دهد. به گزارش برخی متون حدیثی اهل سنت، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین دعایی را در حق حسان بن ثابت کردند (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۰۴). نکته مهمی که باید به آن پرداخت آن است که شخصیت حقوقی یا حقیقی پیامبران و امامان علیهم السلام از این امتیاز برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش می تواند ما را در رساندن به محدوده و گستره عصمت آنها از طریق روح القدس راهنمایی کند. بدین صورت که اگر همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام ناظر به شخصیت حقوقی آنها باشد، عصمت آنها پیش از نبوت و امامت از طریق همراهی روح القدس با آنها قابل اثبات نیست؛ ضمن آنکه این همراهی تنها در راستای انجام وظایف شأن نبوت و امامت است. هرچند روایات مربوط به مسئله روح القدس در این باره صریح نیستند، ولی به نظر می رسد که فی نفسه تعبیر «نبی» و «امام» ناظر به شخصیت حقوقی آنها باشد و سرایت آن به شخصیت حقیقی

پیامبران و امامان علیهم السلام نیاز به اثبات به وسیله قرائن و شواهد دارد. این نکته به وسیله برخی روایات که مضمونی پرتکرار دارند، تأیید می‌شود. برای نمونه، مفضل بن عمر درباره مسئله علم امام از امام صادق علیه السلام پرسید، ایشان با تأکید بر اینکه خداوند پنج روح در پیامبر قرار داده، آنگاه که به توضیح روح القدس رسید، فرمود: «پس به وسیله روح القدس، نبی حامل امر نبوت می‌شود. پس وقتی که نبی از دنیا می‌رود روح القدس به امام منتقل می‌شود...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در روایتی فرمودند: «پس به وسیله روح القدس پیامبران مرسل و غیر مرسل مبعوث می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۸۲). امام صادق علیه السلام نیز پس از بیان پنج روح در پیامبران، فرمودند: «خداوند پیامبران را به روح القدس تأیید کرد. پس به واسطه او پیامبران برانگیخته شدند» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۶). این سه روایت تصریح در این نکته دارند که روح القدس مربوط به امر نبوت است، آنگاه که پیامبر خاتم از دنیا می‌رود به امام منتقل می‌شود؛ بدین معنا که امام تا پیش از آن، از چنین امتیازی برخوردار نیست؛ بنابراین به نظر می‌رسد که روح القدس مؤید شخصیت حقوقی پیامبران و امامان علیهم السلام است؛ از این رو، تأیید و یاری روح القدس در راستای وظایفی است که به حوزه مسئولیت آنها مربوط می‌شود. البته این سخن منافاتی ندارد که به دلیل خاص، برخی پیامبران از همان ابتدا مورد عنایت روح القدس باشند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام بر این نکته تأکید کردند که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از آن هنگامی که از شیر گرفته شد، تحت عنایت بزرگ‌ترین فرشته الهی بود که شب و روز محاسن اخلاقی را به او می‌آموخت (سیدرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۹۲).

۳. روح القدس موجودی خارجی یا نیرویی درونی

آیا روح القدس یک موجود خارجی است یا نیروی درونی؟ اگر یک موجود خارجی باشد، کارکرد آن چیست؟ اگر یکی از مراتب نفس باشد، چه تأثیری در شناخت پیامبر یا امام دارد؟ به نظر می‌رسد روایاتی که می‌گویند روح القدس یک فرشته است، کاملاً صریح و غیرقابل توجیه و تأویل هستند. به دو نمونه دقت کنید:

ابوبصیر در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا

ما كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ» (شوری: ۵۲) پرسید. امام علیه السلام در پاسخ بر این نکته تأکید کردند که او موجودی بزرگ تر از جبرائیل و میکائیل است که همراه با پیامبر و امامان علیهم السلام بوده است (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۳). روایت دیگری با صراحت بیشتری بر این نکته تأکید می‌کند. در این روایت تصریح می‌شود که روح القدس با امامان علیهم السلام گفتگو می‌کند ولی آنها او را نمی‌بینند (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۳). این روایت به خوبی روشن می‌سازد که روح القدس باید یک موجود خارجی باشد که قابل دیدن یا ندیدن باشد. از سوی دیگر، در روایات دیگری با تعبیر «جَعَلَ فِيهِمْ خَمْسَةَ أَزْوَاجٍ» تصریح می‌شود که در پیامبران و امامان پنج روح قرار داده شده است؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام با تقسیم انسان‌ها به سه گروه: اصحاب رستگاری (اصحاب المیمنه)، اصحاب شوربختی (اصحاب المشئمه) و پیشگامان (السابقون السابقون)، پیامبر اسلام و برگزیدگان الهی را همان پیشگامان معرفی کردند و فرمودند: «خداوند در آنها پنج روح قرارداد. آنها را با روح القدس تأیید و یاری کرد، پس به واسطه آن، پیامبران مبعوث شدند و آنها را با روح ایمان تأیید کرد، پس به واسطه آن از خداوند خوف داشتند و آنها را با روح قوت تأیید کرد، پس به واسطه آنها بر اطاعت از خدا توان داشتند و آنها را به روح شهوت تأیید کرد، پس به واسطه آن بر اطاعت از خدا و کراهت از نافرمانی او شهوت داشتند و در آنها روح رفت و آمد را قرار داد که به واسطه آن، مردم به آنها رفت و آمد پیدا می‌کردند» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۵ — ۴۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲). امام باقر علیه السلام نیز در پاسخ جابر در مورد کیفیت به دست آوردن علم (غیب) به وسیله امام، بر این نکته تأکید می‌فرماید که در پیامبران و اوصیای آنها، پنج روح وجود دارد: روح القدس، روح ایمان، روح حیات، روح قوت و روح شهوت. به گفته امام علیه السلام، عالمان به غیب، از طریق روح القدس است از امور غیبی آگاه می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲). دقت در روایت یادشده نشان می‌دهد که روح القدس شأن آگاهی‌بخشی به پیامبران و امامان علیهم السلام را دارد؛ یعنی همان شأنی که برای روح القدس به عنوان یک فرشته بیان کردیم. این نکته نشان می‌دهد که این دو یک چیزند و مقصود از عبارت «جَعَلَ فِيهِمْ خَمْسَةَ أَزْوَاجٍ» آن است که خداوند متعال برای پیامبران پنج حقیقت یا نیرو قرارداد. به نظر می‌رسد که می‌توان میان این دودسته روایات

چنین جمع کرد که روایات دسته اول به هیچ وجه قابل توجیه و تأویل نیستند، ولی روایات دسته دوم را می‌توان چنین توجیه کرد که وقتی گفته می‌شود خداوند در پیامبران و امامان علیهم‌السلام پنج روح قرار داد، مقصود همان نیرویی است که به آنها ارزانی داشته و در خصوص «روح القدس»، چنین چیزی می‌تواند در قالب قرار دادن یک فرشته باشد که آنها را همراهی کند. با توجه به این وجه جمع باید گفت که روح القدس فرشته‌ای است که خارج از پیامبران و امامان علیهم‌السلام و همراه آنهاست.

۴. کارکرد روح القدس

مهم‌ترین مسئله در موضوع روح القدس کارکرد اوست. با بررسی روایات می‌توان چند کارکرد برای روح القدس بیان کرد که همگی می‌توانند در مسئله عصمت ایفای نقش کنند.

۴-۱. جلوگیری از ارتکاب گناه کبیره

امام صادق علیه‌السلام درباره نقش روح القدس در پیامبران و امامان علیهم‌السلام فرمودند: «هر کسی از روح القدس برخوردار باشد، هرگز مرتکب گناه کبیره نمی‌شود» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷). این تعبیر تنها در همین یک روایت آمده است و بر اساس این روایت، کارکرد روح القدس آن است که وجودش مانع از ارتکاب گناه کبیره می‌شود. البته روشن است که روح القدس به‌طور قهری چنین نمی‌کند، بلکه می‌تواند نشان‌دهنده باطن حقیقی گناه باشد که در پی آن، انسان خود از ارتکاب گناه خودداری کند.

۴-۲. آگاه ساختن پیامبران و امامان علیهم‌السلام

این نقش در روایات بسیار پررنگ و به شکل‌های مختلف بیان شده است. در روایتی از امام باقر علیه‌السلام چنین بیان شده است: «(و به عیسی بن مریم علیه‌السلام نشانه‌هایی دادیم و او را با روح القدس تأیید و یاری کردیم. سپس فرمود: [روح القدس] در تمام پیامبران است و خداوند آنها را با روحی از خود تأیید کرد؛ پس به واسطه یاری روح القدس آنها پیامبران مرسل و غیر مرسل را تأیید کرد و آنها به واسطه روح القدس همه چیز را دانستند» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۸). این روایت به روشنی بیان می‌کند که اولاً تمام پیامبران از حمایت روح القدس برخوردارند، ثانیاً پیامبران با داشتن روح القدس به پیامبری مبعوث می‌شوند و ثالثاً به واسطه داشتن روح القدس، تمام حقایق عالم به

آنها نشان داده می‌شود. بر پایه برخی دیگر از روایات، امام باقر علیه السلام در پاسخ جابر در مورد کیفیت به دست آوردن علم (غیب) به وسیله امام، تأکید کردند که پیامبران و امامان علیهم السلام از طریق روح القدس است که به آنچه پایین تر از عرش تا آنچه زیر زمین است، آگاه می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲). مقتضای این روایت و روایاتی از این قبیل آن است که آنها می‌توانند از چیزی که به طور عادی دسترسی به آن امکان پذیر نیست، از طریق روح القدس به آن آگاهی پیدا کنند. مضمون برخی روایات نیز آن است که اگر مسئله‌ای باشد که به آن علم نداشته باشند، روح القدس علم به آن را به آنها می‌دهد؛ برای نمونه، از امام صادق علیه السلام پرسیده شد که آیا ممکن است چیزی باشد که به آن علم نداشته باشید. فرمود: گاهی چنین می‌شود و در این هنگام، روح القدس ما را به آن چیز آگاه می‌سازد (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۱). همچنین در برخی روایات بر این نکته تأکید شده که امامان علیهم السلام مانند آل داود علیهم السلام حکم می‌کنند و آنگاه که چیزی بر آنها روشن نباشد، روح القدس آنها را آگاه می‌سازد (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۲ — ۴۵۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۹۸). در روایات متعدد دیگری به تفسیر آن روحی پرداخته شده که از جانب خداوند متعال بوده و نقش آن همان تسدید و تأیید و یاری علمی اهل بیت علیهم السلام است. برای نمونه، امام باقر علیه السلام در تفسیر «روح» در آیه ۵۲ سوره شوری، با تأکید بر اینکه او فرشته‌ای بزرگ‌تر از جبرائیل و میکائیل است، تصریح فرمود که آن فرشته با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود. به او خبر می‌داد و او را یاری می‌کرد. پس از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن فرشته با امامان علیهم السلام بود (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۳). با توجه به شباهت فراوان کارکرد این روح با کاری که روح القدس انجام می‌دهد روشن می‌شود که او همان روح القدس است. در روایات دیگری، به تفسیر آیه‌ای پرداخته شده که روح از جانب خداوند است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره «روح» در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسرا: ۸۵) پرسید. ایشان فرمود: «او چیزی بزرگ‌تر از جبرائیل و میکائیل است و با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و او را یاری می‌کرد و او با ما اهل بیت است» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۶۱؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۷۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۳).

از آنچه گذشت روشن می‌شود که عمده کارکرد روح القدس همان تسدید، تأیید، تلقین و آگاهی بخشی نسبت به حقایق برای پیامبران و امامان علیهم السلام است. این حقایق به طور طبیعی در

دسترس پیامبر و امام علیه السلام نیست و از این جهت آنها به حقایق یادشده آگاهی ندارند، در اینجا است که روح القدس نقش خود را ایفا می کند و آنها را از آن حقایق آگاه می سازد؛ همچنین آگاه ساختن آنها از حقیقت و باطن گناه نیز از دیگر نقش های روح القدس است که در پی آن، پیامبر و امام مرتکب گناه نمی شوند.

۵. مقدار همراهی با پیامبر و امام

چنانکه دانستیم اصلی ترین کارکرد روح القدس همراهی علمی با پیامبران و امامان علیهم السلام است؛ اما پرسش اساسی آن است که آیا روح القدس همیشه و همه جا و در تمام مسائل با پیامبر و امام همراهی می کند؟ مثلاً در امور عادی زندگی نیز روح القدس به یاری آنها می شتابد؟ یا اینکه پیامبر یا امام در امور عادی زندگی از روح القدس تقاضای کمک می کند؟ برای رسیدن به پاسخ ابتدا باید رابطه روح القدس با دیگر منابع علم پیامبران و امامان علیهم السلام را بررسی کنیم.

۵-۱. رابطه میان روح القدس و دیگر منابع علم امام

روشن است که روح القدس آن علومی را به ایشان می دهد که با ابزار عادی معرفت قابل دستیابی نیستند. امامان علیهم السلام به طور خاص، منابع دیگری نیز برای دستیابی به علوم دارند که در جای خود قابل بررسی است؛ مانند کتاب علی علیه السلام، الهام از طرف خداوند، مصحف فاطمه علیها السلام و... در این باره این پرسش مهم مطرح می شود که رابطه میان منابع علم امامان علیهم السلام با روح القدس چیست؟ هرچند بررسی این مسئله، پژوهشی مستقل می طلبد، اما به نظر می رسد که اولاً وجود روح القدس به عنوان مسدودی که آنها را از مسائل خبردار می کند، نشان می دهد که علم پیامبران و امامان علیهم السلام به امور به ویژه اموری که با ابزار عادی معرفت در دسترس نیستند علم بالفعل نیست، بلکه علم بالقوه است؛ چراکه اگر آنها علم بالفعل به تمام امور داشتند، وجود روح القدس به عنوان خبردهنده و تسدیدکننده بی معنا می نمود؛ ثانیاً اگر کتاب هایی همچون کتاب علی و مصحف فاطمه علیها السلام را از منابع علم امامان علیهم السلام دانستیم، نقش روح القدس بیشتر در آن مواردی است که در کتاب های امامان علیهم السلام نیست و از طرق عادی نیز برای آنها قابل دستیابی نیست.

۲-۵. چگونگی بهره‌گیری پیامبر و امام از روح القدس

پرسش دیگر آن است که آیا روح القدس بدون اختیار پیامبران و امامان علو می در اختیارشان قرار می‌دهد یا آنکه آنها تقاضا می‌کنند و آنگاه روح القدس علم به فلان مسئله خاص را در اختیار آنها می‌گذارد؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد آگاهی از امور غیبی که امام بالفعل از آنها آگاه نیست، به درخواست امام است و این ممکن است معنای همان روایاتی باشد که می‌گویند امام اگر بخواهد چیزی را بداند، خداوند متعال او را می‌آگاهاند. در این باره عمار سباطی از امام صادق پرسید که آیا امام، غیب می‌داند؟ ایشان فرمودند: «لَا وَ لَكِنْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ الشَّيْءَ أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۵۷)، بدین معنا که امام به خودی خود، غیب نمی‌داند، ولی اگر اراده کند که چیزی بداند، خداوند او را می‌آگاهاند. این مسئله در حدیث دیگری از امام باقر نیز به خوبی پاسخ خود را پیدا می‌کند. ایشان ضمن تصریح به این نکته که امامان به واسطه روح القدس از امور آگاه می‌شوند، تأکید کردند که امام علی آنچه از او پرسیده می‌شد را بر روح القدس عرضه می‌کرد تا به پاسخ برسد (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۳). با این توضیح روشن می‌شود که پیامبر و امام به واسطه داشتن روح القدس توانایی آگاه شدن از حقایق غیبی را دارند، ولی چنین نیست که آنها بالفعل همه چیز را بدانند. همچنین بهره‌گیری از روح القدس وابسته به تقاضای امامان بوده است.

۳-۵. میزان استفاده پیامبر و امام از روح القدس

دانستیم که پیامبر یا امام از روح القدس تقاضای کمک علمی می‌کند تا از حقایق غیبی آگاه شود. در عین حال، در آیات قرآن کریم و روایات، موارد متعددی دیده می‌شود که پیامبران از چیزی خبر نداشته‌اند و به همین دلیل با علم عادی خود با مسئله موردنظر برخورد کرده‌اند. این حقیقت نشان می‌دهد که پیامبر یا امام به‌طور معمول، زندگی خود را بر پایه بهره‌گیری از روح القدس پیش نمی‌برد. به مواردی اشاره می‌کنم:

- وقتی که فرشتگان با ظاهر انسانی نزد حضرت ابراهیم آمدند، وی آنها را شناخت و به همین دلیل برای آنها گوساله‌ای بریان آورد: و به‌راستی، فرستادگان ما برای ابراهیم مژده

آوردند، سلام گفتند، پاسخ داد: «سلام»؛ و دیری نپایید که گوساله‌ای بریان آورد؛ و چون دید دست هایشان به غذا دراز نمی‌شود، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت. گفتند: «مترس، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم» (هود: ۶۹ - ۷۰). بر پایه این آیه، حضرت ابراهیم علیه السلام هویت واقعی فرشتگانی را که با ظاهر انسانی نزد او آمده بودند، نمی‌شناخت. در اینجا او از روح القدس نخواست تا هویت واقعی مهمانانش را برای او آشکار سازد.

- فرشتگانی که مهمان حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، پس از آن، نزد حضرت لوط علیه السلام رفتند. او که نمی‌دانست آنها فرشتگانی بیش نیستند، نیز نخواست با استمداد از روح القدس هویت واقعی مهمانان خود را بشناسد. قوم او بر انجام عمل شنیع لواط عادت داشتند. همین امر، موجب نگرانی حضرت لوط علیه السلام شد تا آنکه آنها خود را معرفی کردند؛ و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، به [آمدن] آنان ناراحت و دستش از حمایت ایشان کوتاه شد و گفت: «امروز، روزی سخت است...» آنها گفتند: «ای لوط، ما فرستادگان پروردگار تویم. آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت» (هود: ۷۷ - ۸۱). چنانکه روشن است حضرت لوط علیه السلام نیز تا پیش از آنکه فرشتگان الهی هویت خود را فاش کنند، آنها را نمی‌شناخت.

- قرآن کریم از فراموشی حضرت موسی علیه السلام در داستان همراهی او با حضرت خضر علیه السلام پرده برمی‌دارد: «قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُزِيقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا»؛ (موسی) گفت مرا به خاطر این فراموش کاری مؤاخذه مکن و بر من به خاطر این امر سخت مگیر (کهف: ۷۴). این آیه به صراحت بیان می‌کند که حضرت موسی علیه السلام عهدش با حضرت خضر علیه السلام را فراموش کرد و به همین دلیل به ایشان اعتراض نمود و روح القدس نیز مانع فراموشی ایشان نشد.

- داستان حضرت یونس علیه السلام نیز گویای عدم بهره‌گیری او از روح القدس است: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ...»؛ و ذا النون (یونس) را (به یادآور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت.... (انبیا: ۸۷). این آیه نیز به روشنی بیان می‌کند که حضرت یونس علیه السلام «گمان» کرد که خداوند

بر او تنگ نخواهد گرفت؛ به دیگر بیان، او نسبت به این مسئله علم نداشت و بر همین اساس، اقدام به ترک قوم خود کرد و روح القدس نیز وی را هدایت نکرد.

- قرآن کریم از بی اطلاعی حضرت سلیمان علیه السلام از هدهد خبر می دهد: «و تَقَفَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ»؛ و جویای [حال] پرندگان شد و گفت: مرا چه شده است که هدهد را نمی بینم؟ یا شاید از غایبان است؟ (نمل: ۲۰). بر اساس این آیه نیز حضرت سلیمان علیه السلام نمی دانست که هدهد کجاست.

- «وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ»؛ و از [میان] اعراب بادیه نشینی که اطراف شما هستند جمعی از منافقانند و از اهل [خود] مدینه [نیز] گروهی سخت به نفاق پای بندند که آنها را نمی شناسی و ما آنها را می شناسیم به زودی آنها را دوبار مجازات می کنیم (توبه: ۱۰۱). این آیه نیز صراحت بر این دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شناخت ایمان و کفر افراد از روح القدس کمک نمی گیرد و به همین دلیل نفاق اشخاص مورد نظر را نمی دانسته است.

از بررسی آنچه گذشت می توان به این نتیجه روشن رسید که موارد فراوانی وجود دارد که نشان دهنده عدم آگاهی پیامبران از برخی مسائل بوده است؛ به دیگر سخن، پیامبر و امام زندگی خود به ویژه در امور عادی زندگی یا حتی تشخیص مصادیق موضوعات دینی را بر اساس رهنمودهای روح القدس پیش نمی برد و چنین نیست که در این مسائل از روح القدس تقاضای راهنمایی کند. در روایات نیز مواردی گزارش شده که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله یا امامان علیهم السلام بر اساس گمان خود عمل کرده اند که نشان از این حقیقت دارد که نخواسته اند از روح القدس تقاضای راهنمایی کنند. به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام ماجرای غدیر خم را چنین تعریف می کند: «فَنَصَّبَنِي رَسُولُ اللَّهِ بِغَدِيرِ حُمٍّ وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَنِي بِرِسَالَةٍ صَاقَ بِهَا صَدْرِي وَظَنَنْتُ أَنَّ النَّاسَ مُكْذِبُونَ...»؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در غدیر خم منصوب کرد و فرمود: همانا خداوند عزوجل مرا به انجام مأموریتی فرمان داده که سینه ام نسبت به آن تنگ شده و گمان می کنم که مردم مرا تکذیب می کنند... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۹).

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام ماجرای خواستگاری خود را چنین نقل می کند که نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رفت. پیامبر به من فرمود که آیا قصد ازدواج داری؟ امام علیه السلام فرمود: «رَسُولُ اللَّهِ أَعْلَمُ وَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُزَوِّجَنِي بَعْضَ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ إِنِّي لَخَائِفٌ عَلَى فَوْتِ فَاطِمَةَ»؛ رسول الله داناترند و من گمان کردم که پیامبر می خواهد برخی از زنان قریش را به ازدواج من درآورد و همانا بر از دست دادن فاطمه علیها السلام ترسیدم (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۲۳).

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره چگونگی مسح پا فرمود: «لَوْ لَا أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَمْسَحُ ظَاهِرَ قَدَمَيْهِ لَطَنَنْتُ أَنْ بَاطِنَهُمَا أَوْلَى بِالْمَسْحِ مِنْ ظَاهِرِهِمَا»؛ اگر ندیده بودم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ظاهر پاهایش مسح می کرد، گمان می کردم که باطن پاها برای مسح اولی به ظاهر پاها هستند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۴۷).

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام آنگاه که استاندارش از بیت المال اختلاس کرد و گریخت، در نامه ای فرمود: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ صَلَاحَ أَبِيكَ عَزَّنِي مِنْكَ وَ ظَنَنْتُ أَنَّكَ تَتَّبِعُ هَدْيَهُ وَ تَسْلُكُ سَبِيلَهُ»؛ اما بعد، پس همانا صلاحیت داشتن پدرت مرا نسبت به تو فریفت و گمان کردم که تو هم از هدایت شدگی او پیروی می کنی و راه او را می روی (نهج البلاغه، نامه ۷۱).

۵. امیرالمؤمنین علیه السلام آنگاه که شنید عثمان بن حنیف والی بصره، در یک مراسم مهمانی خاص شرکت کرده، نامه ای شدیدالحن خطاب به ایشان نوشت: «... وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَاتِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَيْبُهُمْ مَدْعُوفٌ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضُمُهُ»؛ و گمان نداشتم تو بروی به مهمانی گروهی که درویش و نیازمندشان را برانند و توانگرشان را بخوانند، پس نظر کن به آنچه دندان بر آن می نهی (نهج البلاغه: نامه ۴۵)

۶. ابوهاشم جعفری در زندگی به مشکلات اقتصادی گرفتار شد. نزد امام هادی علیه السلام آمد. امام علیه السلام درباره لزوم شکرگزاری نسبت به نعمت های الهی سخنانی فرمود و تعدادی از نعمت های خداوند مانند ایمان، عافیت و... را برشمرد. آنگاه فرمودند: «يَا أَبَا هَاشِمٍ إِنَّمَا ابْتَدَأْتُكَ بِهَذَا لِأَنِّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُرِيدُ أَنْ تَشْكُرَ لِي مَنْ فَعَلَ بِكَ هَذَا قَدْ أَمَرْتُ لَكَ بِمِائَةِ دِينَارٍ فَخُذْهَا»؛ ای ابوهشام همانا من سخنم را این گونه شروع کردم، چون گمان می کردم می خواهی نزد من از آنچه گرفتارش شده ای، شکایت کنی. دستور دادم تا صد دینار به تو بدهند. پس آن را بگیر

(صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۴۰۱). به نظر می‌رسد که امام هادی علیه السلام از مشکلات مالی ابوهاشم خبر داشته است. آنگاه که ابوهاشم نزد امام می‌آید، امام علیه السلام حدس می‌زند که برای شکایت از وضعیت زندگی مراجعه کرده است. شواهد یادشده به خوبی نشان می‌دهد که درخواست راهنمایی از روح القدس همیشگی و در تمام موارد نیست و چنین نیست که پیامبر یا امام در لحظه لحظه زندگی خود، خبرداشتن از امور را وابسته به راهنمایی از روح القدس کند.

۶. نقش روح القدس در عصمت علمی و عملی پیامبران و امامان علیهم السلام

پیشتر با ساحت های مسئله عصمت آشنا شدیم. اکنون با توجه به مباحثی که مطرح شد، باید به این پرسش پاسخ دهیم که روح القدس در عصمت علمی و عملی پیامبران چه نقشی ایفا می‌کند؟

۶-۱. روح القدس و عصمت علمی پیامبران و امامان علیهم السلام

به طور خلاصه، عصمت علمی به معنای مصونیت از اشتباه نسبت به حقایق است. در این باره توجه به سه نکته مهم است. نخست آنکه، دانستیم که همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام ناظر به شخصیت حقوقی آنهاست؛ بنابراین، نمی‌توان این همراهی را به زمان پیش از تصدی منصب نبوت و امامت سرایت داد و برای آگاهی همه جانبه آنها در زمان پیش از نبوت و امامت باید از ادله دیگری سود جست؛ دوم آنکه، اگر بپذیریم که روح القدس با شخصیت حقوقی پیامبران و امامان علیهم السلام ارتباط دارد، پس باید گفت که در زندگی عادی خود یا در تشخیص مصادیق موضوعات دینی برای خود، روح القدس نقشی ایفا نمی‌کند؛ سوم آنکه، دانستیم که بهره‌گیری از راهنمایی روح القدس برای رسیدن به حقیقت، رویه معمول پیامبر و امام در زندگی خود با دیگران در امور عادی یا تشخیص مصادیق موضوعات دینی نیست؛ بلکه آنها به تشخیص خود عمل می‌کنند؛ بنابراین، اگر کسی مدعی باشد که چون روح القدس همراه پیامبر یا امام است، آنها همواره از حقایق به طور قطعی آگاه و به همین دلیل از اشتباه معصوم هستند، این ادعا قابل تأمل است؛ آری آنها در آن مواردی که از روح القدس یاری می‌جویند، معصوم از اشتباه هستند.

۶-۲. روح القدس و عصمت عملی پیامبران و امامان علیهم السلام

به طور خلاصه، منظور از عصمت عملی آن است که انسان مخالف علم خود عمل نکند. اینک این پرسش مطرح است که آیا روح القدس مانع از آن می شود که پیامبران یا امامان علیهم السلام عملی خلاف علم خود انجام دهند؟ در پاسخ باید گفت که روح القدس پیامبر یا امام را مجبور به انجام کاری نمی کند و صرفاً نقش راهنما را ایفا می کند؛ بنابراین، با وجود ارائه طریقی و روشن شدن حقیقت برای پیامبر و امام، او در موافقت یا مخالفت با آن مختار است. از این رو، روح القدس نقش تامی در عصمت عملی پیامبر و امام ندارد.

نتیجه گیری

بر پایه آنچه گذشت روشن شد که: ۱. عصمت به معنای محفوظیت و مصونیت است و طبق یک تقسیم بندی به دو قسم عصمت علمی و عصمت عملی تقسیم می شود؛ ۲. روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام همراه است. تعبیر برخی روایات آن است که روح القدس یکی از مراتب نفس است و روایات دیگری صراحت در این نکته دارد که او یک فرشته است؛ در عین حال، هر دو را به معنای همان موجود خارجی یعنی یک فرشته برگرداند. همچنین به نظر می رسد که این همراهی ناظر به شخصیت حقوقی آن هاست نه شخصیت حقیقی؛ ۳. بر پایه روایات، کارکرد اصلی روح القدس همان تأیید و تسدید پیامبران و امامان علیهم السلام است که در دو قسمت مقدمه سازی جهت جلوگیری از ارتکاب گناه کبیره و نیز آگاه ساختن آنها از حقایق است؛ ۴. روایات گویای این حقیقت هستند که همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام در زندگی شخصی خود وابسته با تقاضای خودشان است و چنین نیست که آنها همواره چنین تقاضایی داشته باشند؛ بلکه آنها در موارد متعدد به تشخیص خود عمل می کنند؛ ۵. همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام نمی تواند دلیلی بر عصمت مطلق آنها باشد؛ چراکه در عصمت علمی، درخواست راهنمایی از آنها همیشگی نیست؛ در عصمت عملی نیز او فقط نقش راهنما را ایفا می کند نه آنکه آنها وادار به انجام یا ترک کاری کند؛ ۶. حاصل آنکه، آموزه همراهی روح القدس با پیامبران و امامان علیهم السلام نمی تواند عصمت مطلق آنها را ثابت کند و در این باره باید به سراغ دیگر ادله نیز رفت.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد (۱۹۹۱). معجم مقاییس اللغة. بیروت، دارالحیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۵). لسان العرب. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰). الصحيح. قاهره، وزارة الاوقاف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۹۰). الصحاح تاج العلة و صحاح العربية. بیروت، دارالملايين.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۳۲). المفردات فی غریب القرآن. تهران، المكتبة المرتضویه.
- زبیدی، محمد مرتضی (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت، دار المكتبة الحیة.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. (تحقیق، صبحی صالح). قم، هجرت.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱ و ۴.
- _____ (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تهران، جهان، ج ۱.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران، المطبعة العلمية، ج ۲.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم، دارالکتاب، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیة، ج ۱.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبة. تهران، صدوق.